

ارائهٔ اطلاعات غیردقیق دربارهٔ مذاکرات توسط برخی چهره‌های رسانه‌ای ادامه دارد

کنسرسیوم فیک‌نیوز

مذاکرات هسته‌ای نه‌ت‌ها در سطح دیپلماتیک، بلکه در حوزه رسانه‌ای نیز با چالش‌های متعددی مواجه شده است. یکی از مهم‌ترین مشکلات، نبود یک استراتژی رسانه‌ای منسجم و شفاف برای اطلاع‌رسانی درباره روند مذاکرات است. این فقدان استراتژی، زمینه‌ساز انتشاراطلاعات ضدتوقیض، گمانه‌زنی‌های غیرمستند و سردرگمی افکارعمومی شده‌است. ایده‌تشکیل کنسرسیوم هسته‌ای به‌عنوان یکی ازپیشنهادهای مطرح‌شده در مذاکرات، نمونه‌ای برجسته ازاین آشفتگی رسانه‌ای است. گزارش‌ها و اظهارنظرهای متناقض درباره منشأ، مکان و اهداف این کنسرسیوم، نه‌تنها اعتمادعمومی به منابع داخلی را تضعیف کرده، بلکه به رسانه‌های غربی و خبرنگاران آن‌ها فرصت داده تا روایت خود را به‌عنوان مرجع اصلی تثبیت کنند.

■ ■ ■

ریشه‌های آشفتگی رسانه‌ای در مذاکرات هسته‌ای

یکی از دلایل اصلی سردرگمی در پوشش رسانه‌ای مذاکرات هسته‌ای، عدم تمایز بین اطلاعات قابل انتشار و غیرقابل انتشار است. به دلیل حساسیت‌های سیاسی و امنیتی، مقامات ایرانی اغلب از انتشار جزئیات مذاکرات خودداری می‌کنند. این رویکرد، اگرچه ممکن است از منظر دیپلماتیک توجیه‌پذیر باشد، اما در عمل خلأ اطلاعاتی ایجاد کرده و فضا را برای گمانه‌زنی‌های غیرمستند باز گذاشته است. در غیاب اطلاعات رسمی، رسانه‌ها و تحلیلگران داخلی به منابع غیررسمی یا شایعات متکی می‌شوند که اغلب نادرست یا متناقض هستند. این وضعیت نه‌تنها باعث سردرگمی افکار عمومی می‌شود، بلکه به رسانه‌های خارجی اجازه می‌دهد تا با ارائه روایت‌های خود، مرجعت خبری را در دست بگیرند. به عنوان مثال، در سال‌های گذشته، رسانه‌های غربی مانند نیویورک‌تایمز و وال‌استریت‌ژورنال با دسترسی به منابع اطلاعاتی خاص (که گاه به سیستم‌های سیاسی و امنیتی غرب متصل هستند)، توانسته‌اند روایت‌هایی ارائه‌دهند که در داخل ایران نیز بازتاب گسترده‌ای پیدا می‌کند. این در حالی است که منابع داخلی، به دلیل فقدان اطلاعات موثق یا انتشار اخبار نادرست، از کسب مرجعت رسانه‌ای بازمی‌مانند. این پدیده را می‌توان به نوعی «مهندسی معکوس اطلاعات» توصیف کرد، جایی که اطلاعات نادرست یا غیرشفاف از داخل کشور، به رسانه‌های خارجی فرصت می‌دهد تا روایت خود را به‌عنوان حقیقت غالب معرفی کنند.

حسن لاسجردی، کارشناس مسائل لبنان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

گذر زمان حذف‌ناپذیری سلاح حزب‌الله را اثبات می‌کند

در سالروز آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، با حسن لاسجردی، کارشناس مسائل لبنان به گفت‌وگو پرداختیم. او در این گفت‌وگو به بررسی نقش تاریخی و کنونی حزب‌الله در تحولات این کشور پرداخته است. حزب‌الله به‌عنوان نهاد مقاومت در برابر حضور بیگانگان و طرح‌های آمریکایی مانند خاورمیانه جدید، از سال ۲۰۰۰ با ایجاد بازدارندگی دفاعی، نقشی کلیدی در حفظ حاکمیت ملی لبنان ایفا کرده است. این گروه با فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی خود، از صندوق‌های قرض الحسنه تا مراکز درمانی و آموزشی، توانسته جایگاهی مستحکم در کف جامعه لبنان کسب کند. لاسجردی تأکید می‌کند که حزب‌الله، با وجود ضربات سنگینی که در جنگ اخیر متحمل شده، ازجمله از دست دادن رهبران و فرماندهان برجسته‌اش، شاکله و هیمنه خود را حفظ کرده است. این گروه با مانند خاورمیانه جدید، با تسلیحات و تجهیزات نظامی و نظامی تا آخرین روز آتش‌بس، نشان داده همچنان توانایی اثرگذاری در صحنه سیاسی و نظامی لبنان را دارد.

دولت کنونی لبنان، تحت تأثیر رقابت‌های داخلی و فشارهای خارجی از سوی اسرائیل، کشورهای عربی و غربی مانند آمریکا و فرانسه، به دنبال خلع سلاح حزب‌الله است. این فشارها که کمک‌های مالی و بازرگانی را مشروط به حذف سلاح مقاومت می‌کنند، ریشه در تلاش برای تضعیف نقطه‌قوت لبنان دارند. با این حال، لاسجردی معتقد است که سلاح حزب‌الله به‌دلیل جایگاه مردمی و مسابقه تاریخی آن در حفظ استقلال لبنان، قابل حذف نیست. حزب‌الله با حضور قوی در پارلمان، شهرداری‌ها و نهادهای دولتی و همچنین نفوذ در میان مردم به‌ویژه در جنوب لبنان، توانسته در برابر این فشارها مقاومت کند. این گروه با تکیه بر تشکیلات اعتقادی، سیاسی و اجتماعی خود، نه‌تنها از فروپاشی جلوگیری کرده، بلکه قابلیت بازسازی و توسعه را حفظ کرده است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

ابند با سابقه تاریخی بازگردیم و نقش حزب‌الله را در جنگ سال ۲۰۰۰ مرور کنیم و سپس بررسی کنیم که چگونه حزب‌الله پس از این سال توانست بتوان دفاعی خود برای لبنان بازدارندگی ایجاد کند؟

برای فهم جایگاه حزب‌الله در تحولات لبنان، به نظر می‌رسد باید به حضور آمریکایی‌ها در عراق و طرح خاورمیانه جدید و تشکیل دموکراسی معیوب در عراق توجه کنیم. به‌دلیل این طرح، نیرویی در منطقه شکل گرفت که امروز به‌عنوان نخستین مقاومت شش‌صاعه می‌شود. این نیروها، که در مناطق مختلف حضور داشتند، به‌دلیل نوع نگاه آمریکایی‌ها به طرح خاورمیانه بزرگ، در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، مسائل زنان، روابط اجتماعی، خدمات عمومی، آموزش و سایر موارد، در تضاد و تقابص با تفکر آمریکایی‌سازی منطقه قرار گرفتند. با افزایش فشار آمریکایی‌ها و متحدانشان، مانند اسرائیل، در منطقه نیروهای مقاومت در مقابل این دیدگاه‌ها بروز و ظهور بیشتری یافتند. پس از سال ۲۰۰۰، به‌ویژه در مجانب ۲۰۰۶ و همچنین در جنگ اخیر حزب‌الله با رژیم صهیونیستی، این نیروها خود را از پوسسته اجتماعی-سیاسی خارج کرده و به صحنه عملیات و واکنش نظامی وارد کردند. علت اصلی این ظهور، از منظر اندیشه‌ای، حضور نیروهای بیگانه در منطقه و تلاش آمریکایی‌ها برای تحمیل مدل دموکراسی غربی بود. در مقابل، نیروهای مقاومت به‌عنوان نیرویی معارض و قرینه، تلاش کردند مدلی بومی در منطقه ارائه دهند که شامل همه گروه‌های مقاومت، ازجمله حزب‌الله در لبنان، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و گروه‌های مختلف در عراق، یمن،

■ ■ ■

منشأ ایده کنسرسیوم هسته‌ای

ایده تشکیل کنسرسیوم هسته‌ای برای مدیریت برنامه غنی‌سازی ایران، یکی از موضوعاتی است که نخستین بار در مذاکرات سعدآباد در تهران روی میز قرار گرفت و نهایتاً نیز به دلیل عدم استقبال کنار گذاشته شد و در ادامه تعلیق غنی‌سازی ایران به عنوان ایده جایگزین در دستورکار قرار گرفت. نهایتاً نیز این تعلیق نتیجه‌ای نداد تا تحدی که علی لاریجانی آن را «دادن مروارید غلطان در مقابل آب نبات چوبی» توصیف کرد. رهبر انقلاب نیز دستور به از سرگیری غنی‌سازی در همان دولت خاتمی را دادند. این ایده مدت‌ها پیش از آغاز دور جدید مذاکرات توسط سیدحسین موسویان، مذاکرکننده سابق هسته‌ای ایران، و فرانک ون هپیل، فیزیکدان دانشگاه پرینستون، در مقاله‌ای در بورلتن دانشمندان اتمی در اکتبر ۲۰۲۲ ارائه شد. در این پیشنهاد، کنسرسیومی با مشارکت کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی تشکیل می‌شود که در آن این کشورها به‌عنوان سهامدار و تأمین‌کننده مالی، به فناوری غنی‌سازی ایران دسترسی پیدا می‌کنند. هدف این طرح، تضمین ماهیت غیرنظامی برنامه هسته‌ای ایران و رفع نگرانی‌های بین‌المللی، به‌ویژه ادعاهای اسرائیل درباره احتمال نظامی شدن این برنامه، عنوان شده بود.

■ ■ ■

اظهارات متناقض مقامات و تحلیلگران

پس از مطرح شدن این ایده در مذاکرات اخیر، گمانه‌زنی‌ها درباره منشأ و جزئیات آن شلت گرفت. احمدزیدآبادی، روزنامه‌کار و تحلیلگر سیاسی، در یادداشتی در روزنامه هم‌میهن پیشنهاد داد که کنسرسیوم منطقه‌ای با بین‌المللی می‌تواند با انتقال تأسیسات غنی‌سازی ایران به یکی از جزایر ایرانی در خلیج فارس و با مشارکت کشورهای عربی و بازیگران جهانی تشکیل شود. این پیشنهاد، به دلیل اشاره به مکان مشخص (جزایر ایرانی) و مشارکت کشورهای منطقه، توجه زیادی را جلب کرد.

پس از دور سوم مذاکرات، مجید تخت‌روانچی، دیپلمات ایرانی، اعلام کرد که پیشنهاد کنسرسیوم از سوی ایران مطرح نشده است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران نیز این موضوع را تأیید کرد و افزود که اگر مذاکرات پیشرفت کند، ممکن است این ایده در آینده بررسی شود. این اظهارات، در دیدگاهی درباره منشأ پیشنهاد ایجاد کرد، در ادامه، پس از دور پنجم مذاکرات در دوم دزبهیشت ۱۴۰۴، عراقچی از ایده‌های جدیدی

سخن گفت که از سوی عمان مطرح شده‌اند. بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان، نیز در پستی در شبکه اجتماعی ایکس از «مقداری پیشرفت» در مذاکرات خبر داد، بدون اشاره به جزئیات. در این میان عبدالرضا فرجی‌راد، استاد ژئوپلیتیک، دوگزینه محتمل را مطرح کرد: توافق موقت و کنسرسیوم منطقه‌ای. او مدعی شد که پیشنهاد کنسرسیوم از سوی عمان ارائه‌شده شامل مشارکت ایران، عربستان، امارات و آمریکا در مدیریت غنی‌سازی اورانیوم با نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. اما این روایت با ادعای محمد قوچانی، روزنامه‌نگار، در مجله آگاهی نو مغایرت داشت که مدعی شد پیشنهاد کنسرسیوم از سوی آمریکا مطرح شده است. نیویورک‌تایمز نیز بعداً همین ادعا را تکرار کرد و منشأ پیشنهاد را به طرف آمریکایی نسبت داد.

این تناقض‌ها به موضوع مکان کنسرسیوم نیز کشیده شد. در حالی که زیدآبادی از جزایر ایرانی در خلیج فارس سخن گفته بود، عراقچی در گفت‌وگوی تلویزیونی اظهار داشت که ایران آماده همکاری در قالب کنسرسیوم، حتی خارج از خاک ایران، است، اما این کنسرسیوم جایگزین غنی‌سازی داخلی نخواهد شد.

■ ■ ■

پیامدهای انتشار اطلاعات ضدتوقیض

انتشار اطلاعات متناقض درباره کنسرسیوم هسته‌ای، پیامدهای متعددی به دنبال داشته است. این وضعیت اعتماد افکار عمومی به رسانه‌های داخلی را تضعیف کرده است. زمانی که اظهارات مقامات و تحلیلگران داخلی با یکدیگر همخوانی ندارد، مخاطبان به منابع خارجی روی می‌آورند که اغلب با اهداف سیاسی خاص، روایت‌های خود را ارائه می‌دهند. خبرنگارانی مانند باراک اوبایت، لارنس نورمن و فران تفسیچی، که به منابع غربی دسترسی دارند، توانسته‌اند روایت‌هایی ارائه دهند که در غیاب اطلاعات موثق داخلی، مرجعت خبری پیدا می‌کنند. این آشفتگی رسانه‌ای به مذاکرکنندگان ایرانی نیز آسیب می‌رساند. انتشار اطلاعات نادرست یا گمانه‌زنی‌های غیرمستند می‌تواند انتظارات غیرواقعی در افکار عمومی ایجاد کند یا فشارهای سیاسی داخلی را افزایش دهد. این موضوع در مذاکراتی که به خودی خود پیچیده و حساس هستند، می‌تواند به تضعیف موضع ایران منجر شود. به عنوان مثال پس از دور پنجم مذاکرات، ابهامات در مورد پیشنهادی طرف ایرانی احمد پخشایش ارستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس درباره جزئیات پیشنهاد عمان گفت: «عمانی‌ها

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

حزب‌الله ضعیف شده است، اما باور دارم ضرب‌هایی به آن وارد شده است. در جنگ اخیر حزب‌الله علیه رژیم صهیونیستی، این گروه نشان داد که ضعیف نشده است. اگر حزب‌الله ضعیف بود، بسیاری از مناطق را از دست می‌داد، موşk‌باران‌هایی که انجام داد را متوقف می‌کرد یا در پهبادهای و عملیات نظامی استفاده نمی‌کرد. اما حزب‌الله تا روز آتش‌بس، خطوط خود را حفظ کرد، نیروهایش را نگه داشت و با وجود همه تهاجم‌های اسرائیل علیه فرماندهان و چهره‌های مؤثر، مانند شهید و الا مقام نصرالله و دیگران، همچنان شاکله و هیمنه خود را حفظ کرده است. بنابراین، من معتقدم حزب‌الله ضرب‌هایی خورده، اما ضعیف نشده است. این به این معناست که حزب‌الله همچنان می‌تواند در فضای سیاسی و نظامی لبنان نقش اثرینی کند، فشار بیابود و اثرگذار باشد. اگر این موضوع را بپذیریم، فشارهای سیاسی یا بازاری‌هایی که امروز از زبان افراد مختلف مطرح می‌شود، نشان قابل تحقق نیست. نمی‌خواهم بگویم فشار سیاسی علیه حزب‌الله وجود ندارد، بلکه منظور من این است که حزب‌الله از هیمنه قدرتمند اجتماعی، سیاسی و حتی نظامی برخوردار است که می‌تواند به جامعه لبنان کمک کند. بزرگ‌ترین کاری که حزب‌الله به‌ویژه در یک دهه گذشته در سخنرانی‌ها، مواضع و اقدامات خود، به‌ویژه از طریق شخص سید حسن نصرالله انجام داده، این بوده که همیشه منافع عمومی و کلی لبنان و حفظ حاکمیت ارضی و شاکله جامعه لبنان را بر منافع گروهی و جناحی ترجیح داده است. حزب‌الله همواره خود را در جایگاه حفاظت از مرزها در برابر تجاوزها و دفاع از همه اقوام و مذاهب لبنان قرار داده است. به همین دلیل، امروز حزب‌الله همچنان طرفداران زیادی دارد و جامعه لبنان به پاس همه مجاهدت‌های این گروه، خود را مدیون آن می‌داند. در انتخابات اخیر، مانند انتخابات شهرداری‌ها، نمایندگان بسیاری از حزب‌الله‌ای آوردند. این موضوع نشان‌دهنده درک مناسب جامعه لبنان از تاریخچه مقاومت و همچنین جانفشانی‌ها و تلاش‌هایی است که حزب‌الله در مقاطع مختلف برای مردم این کشور انجام داده است.

با توجه به گزاره شما مبنی بر اینکه حزب‌الله ضرباتی به‌ویژه در سطوح رهبری متحمل شده است، آیا می‌توانیم بگویم که حزب‌الله توانسته حلقه رهبری خود را بازسازی کند؟ شخصیت شیخ نعیم قاسم تا حد چه می‌تواند به‌عنوان یک رهبر توانمند شش‌صاعه شود؟ آیا با توجه به سابقه تاریخی و توانمندی سیاسی حزب‌الله، این امکان وجود دارد که حلقه رهبری با توانمندی بیشتری جلوه‌گر شود و امید به آینده را زنده نگه دارد؟

من باز هم تأکید می‌کنم که حزب‌الله به دلیل داشتن شاکله‌ای بزرگ و تشکیلاتی سیاسی، نظامی، اجتماعی و اعتقادی توانسته خود را حفظ کند. در نبرد بزرگی مانند مقابله با اسرائیل که از حمایت قدرت‌های بزرگ برخوردار است و انواع کمک‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی دریافت می‌کند، حزب‌الله موفق شده هم از مرزهای خود دفاع کند و هم ضربات مناسبی به اسرائیل وارد کند. بنابراین، اینکه حزب‌الله ضربه خورده اما توانسته خود را حفظ کند، قابل انکار نیست. نکته دوم این است که آیا این ضربات آن‌قدر سنگین بوده‌اند که حزب‌الله را از صحنه خارج کنند؟ به نظر من، خیر. حزب‌الله دو رهبر بزرگ خود را از دست داده، اما همچنان فرماندهان نظامی و عملیاتی و چهره‌های برجسته‌اش را در جنگ اخیر به دلایل مختلف از دست داده است. هر تشکیلات یا سازمانی با چنین خساراتی ممکن بود سسر مایه سیاسی و اجتماعی خود را بیش از این از دست بدهد یا حتی دچار فروپاشی شود. اما حزب‌الله توانسته خود را حفظ کند، رهبری جدید انتخاب کند، سزایمان‌دهی مجدد انجام دهد و در ادامه نبرد در لبنان، در برابر رژیم

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

به ما گفته‌اند که شما فعلاً برای ۶ ماه غنی‌سازی را متوقف کنید و بعد مجدداً این کار را انجام دهید. البته ایران هنوز این پیشنهاد عمان را قبول نکرده است و در حال بررسی آن است.» این اظهارات روز گذشته توسط وزارت خارجه تکذیب شد. یک مقام ارشد ایرانی در تیم مذاکره‌کننده، در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم ادعای مطرح شده مبنی بر اینکه در پیشنهاد عمان پیشنهاد توقف موقت ۶ ماهه غنی‌سازی مطرح شده است را تکذیب کرد و موضع عراقچی در مورد عدم توقف غنی‌سازی توسط ایران را اینگونه تکرار کرد: «غنی‌سازی تحت هیچ شرایطی متوقف نخواهد شد و طرح پیشنهادی عمان نیز حق غنی‌سازی ایران را شامل شده است.» فقدان استراتژی رسانه‌ای منسجم، فرصت را برای «مهندسی معکوس اطلاعات» فراهم کرده است. به این معنا که رسانه‌های خارجی با انتشار اطلاعات هدفمند، نه‌تنها روایت خود را تثبیت کرده، بلکه گاه اطلاعات نادرست را به منابع داخلی تریق می‌کنند. این امر باعث می‌شود که حتی تحلیلگران داخلی نیز ناخوسته در دام روایت‌های خارجی بیفتند.

■ ■ ■

بهبود استراتژی رسانه‌ای

برای رفع این چالش‌ها، ایران نیازمند بازنگری اساسی در استراتژی رسانه‌ای خود در قبال مذاکرات هسته‌ای است. وزارت امور خارجه و سایر نهادهای مرتبط باید سیاست روشنی برای اطلاع‌رسانی درباره مذاکرات تدوین کنند. این سیاست باید شامل تمایز بین اطلاعات قابل انتشار و غیرقابل انتشار باشد. انتشار اطلاعات موثق درباره روند مذاکرات می‌تواند از گمانه‌زنی‌های غیرمستند جلوگیری کند. تشکیل تیمی کارشناسان رسانه‌ای و دیپلماتیک که باید وظیفه هماهنگی با رسانه‌های داخلی و خارجی را بر عهده داشته باشند، می‌تواند به یکپارچگی پیام‌ها کمک کند. این تیم باید اطلاعات موثق را به‌موقع در اختیار رسانه‌ها قرار دهد. رسانه‌های داخلی باید با دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز، به‌عنوان مرجع اصلی اخبار مذاکرات شناخته شوند. این امر نیازمند همکاری نزدیک بین مقامات دیپلماتیک و رسانه‌هاست. نهادهای مسئول باید مکانیسمی برای شناسایی و اصلاح اطلاعات نادرست در سریع‌ترین زمان ممکن ایجاد کنند. این کار می‌تواند از طریق بیانیه‌های رسمی یا گفت‌وگوهای رسانه‌ای انجام شود. با توجه به نقش رسانه‌های منطقه مانند عمان در مذاکرات، تقویت تعامل رسانه‌ای با این کشورها می‌تواند به ارائه روایت‌های متوازن‌تر کمک کند.

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

صهیونیستی مقاومت کند. اینکه آیا شیخ نعیم قاسم می‌تواند حزب‌الله را به دوران اقتدار سید حسن نصرالله بازگرداند، آن را احیا کند و قدرتش را بازیابی کند، موضوعی است که باید با گذر زمان روشن شود. اما آنچه باز هم تأکید می‌کنم این است که حزب‌الله به دلیل جایگاه و پیو‌ای که در قلوب مردم جنوب لبنان دارد و به دلیل تشکیلات اعتقادی همراه با کارکردهای مؤثر سیاسی و اجتماعی، قابلیت تجدید، ارتقا و توسعه دارد. اگرچه فشارهای خارجی و حتی فشارهای سیاسی داخلی می‌توانند حزب‌الله را آزار دهند و دست‌وپایش را ببندند، اما همان‌طور که عرض کردم به دلیل هیمنه سیاسی، اجتماعی و حضور قوی در فک خیابان، این گروه توانایی اثرگذاری به شیوه‌های دیگر را دارد. برای مثال، اگر حزب‌الله از منظر نظامی کنار گذاشته شود و طرح ادغام در ارتش که اکنون بسیار بر آن تأکید می‌شود اجرا شود، افرادی که طرفدار حزب‌الله هستند و وارد ارتش شوند، تأثیر اعتقادی خود را حفظ خواهند کرد و در طرح‌های مختلف اثرگذار خواهند بود. همچنین، حزب‌الله با داشتن نمایندگان متعدد در پارلمان، دولت و شهرداری‌ها و همچنین حضور در مناطق مختلف حکومتی و دولتی، تأثیرگذاری خود را ادامه خواهد داد. به نظر من، این تأثیرگذاری با گذر زمان می‌تواند جایه‌هاشود. باید بپذیریم که روزگار چرخش‌های زیادی دارد. ممکن است حزب‌الله امروز ضربه بخورد و مدتی آرام شود، اما دوباره فعالیت کند، خود را بازیابی کند و به جایگاه خود بازگردد. این موضوع بعید نیست که نیروهای مقاومت در منطقه، با وجود همه فشارها و دسیسه‌ها بتوانند خود را بازسازی کنند. از نظر من حزب‌الله این توان را بیش از دیگران دارد.

رهبر انقلاب در دیدار با ساعد حریری اشاره داشتند که حزب‌الله خنجر لبنان است. با توجه به اینکه مسابقه تاریخی نیز همین را نشان می‌دهد و لبنان نیز از این موضوع منتفع نشده است چرا دولت فعلی لبنان درصدد معارضه با حزب‌الله است؟

در رابطه با رویکرد دولت و اینکه چرا به دنبال خلع سلاح حزب‌الله است، باید گفت همیشه یک رقابت سیاسی درونی در لبنان وجود داشته است. برخی از جریان‌ها، که به زبان من می‌توان آن‌ها را میانه‌رو یا ضد مقاومت نامید، تلاش کرده‌اند نقطه‌قوت لبنان، یعنی سلاح حزب‌الله را تضعیف کنند یا از مدار خارج سازند. بخش مهمی از این نگاه در دولت کنونی لبنان به رقابت‌های داخلی بازمی‌گردد. البته فشارهای خارجی نیز در این موضوع نقش دارند. برای مثال در بسیاری از موارد، اسرائیل، برخی کشورهای عربی و حتی کشورهای غربی مانند فرانسه و آمریکا که روابط مناسبی با لبنان دارند، همه ارتباطات، کمک‌ها، بودجه‌ها، روابط بازرگانی، پولی و بانکی و سایر حمایت‌ها را منوط به خلع سلاح حزب‌الله کرده‌اند. به عبارت دیگر، سلاح حزب‌الله صرفاً یک موضوع ظاهری نیست، بلکه یک نگاه کلان در جامعه لبنان ایجاد کرده و حساسیت‌های زیادی را برانگیخته است. به همان اندازه که جریان‌های مخالف حزب‌الله برای خلع سلاح آن تلاش می‌کنند، جریان‌های طرفدار حزب‌الله نیز برای حفظ مقاومت در قالب‌ها و فرصت‌های گوناگون فعالیت می‌کنند. بنابراین، حزب‌الله تلاش دارد خود را حفظ کند، در این رقابت‌ها و فشارها بازی‌نی کند و در قالب‌های مختلف جایگاه خود را تثبیت کند. این هنر حزب‌الله، نیروهای مقاومت در لبنان و نیروهای همراه آنهاست. در عین حال باید دید که گذر زمان، تغییر و تحولات و چرخش روزگار چه چیزهایی را در مسیر آن‌ها قرار خواهد داد تا بتوانند خود را حفظ کنند. اما آنچه مسلم است، این است که حزب‌الله تلاش می‌کند خود را بازیابی کند و نقش اثرینی خود در لبنان را، همان‌طور که همیشه داشته است، ادامه دهد.

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

در گذشته دشمنان آمریکا به ویژه طی جنگ جهانی اول و دوم نقطه اتکالی در نزدیکی خاک این کشور برای حمله به آن نداشتند. در سوی دیگر واکنشکن دشمن قابل اعتنایی نیز در کل قاره آمریکانداشت ودولتها مقهور آن بودند. درحال حاضر اما فناوری ساده و قابل انتقال پهپاد در معرض دسترس بسیاری از کشورهاست؛ چه اینکه به کارگیری پهپادها از نظر مالی و توانمندی تجربی به کارگیری نیز در وسع دولت‌های ضعیف است. با توجه به بروز مخالفت‌های جدی با آمریکا به ویژه در آمریکای لاتین و ارتباط گسترده برخی از دولت‌های این منطقه با روسیه و چین و همچنین دیگر قبایق دشمنان واشنگتن، احتمال مسلح‌سازی آن‌ها به پهپادها در تعداد گسترده وجود ندارد. نکته مهم آنکه این کشورها با توجه به ابعاد فاصله، نیازی به فناوری پیل سوختی هیدروژنی نداشته و با فناوری‌های قبلی نیز قادر به هدف‌گیری اهدافی در خاک آمریکا هستند.

■ ■ ■

■ ■ ■

فرهیختگان

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■